

## چگونگی جامعه‌پذیری مهدویت

محمود ملکی راد\*

### چکیده

جامعه‌پذیری فرایندی است که فرد در طی آن، افکار، معتقدات، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگ جامعه خود را یاد می‌گیرد. جامعه‌پذیری، موضوعی میان رشته‌ای است که در حوزه‌های مختلف کاربرد دارد. یکی از حوزه‌های کاربرد آن، حوزه دین است. جامعه‌پذیری دینی نیز فرایندی است که افراد یک جامعه، با باورها، اعمال، وظایف، آیین‌ها، مراسم، مناسک، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای دینی جامعه خود آشنا می‌شوند و آنها را فرا می‌گیرند و موجب انتقال فرهنگ دینی از نسلی به نسل دیگر می‌شوند. برای جامعه‌پذیری مهدوی به‌عنوان زیرمجموعه جامعه‌پذیری دینی نیز لازم است زمینه‌هایی به‌وجود آید تا افراد باورها، ارزش‌ها و نمادهای اندیشه مهدوی را فرا گیرند و موجب انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر شوند.

در این تحقیق با هدف استقرار اندیشه مهدویت و نشان‌دادن راه‌های انتقال آن از نسلی به نسل دیگر و چگونگی جامعه‌پذیری مهدویت، بحث و گفت‌وگو شده است. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق، بررسی اشکال جامعه‌پذیری مهدوی است که ممکن است به دو شکل: یادگیری و انتقال مستقیم، آشکار و رسمی و یادگیری و انتقال غیرمستقیم و غیررسمی صورت گیرد. همچنین بررسی عواملی که در جامعه‌پذیری مهدوی نقش دارند و عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد تعلیم، نهاد رسانه، نهاد دین و مذهب.

### کلیدواژه‌ها

جامعه‌پذیری، مهدویت، اشکال جامعه‌پذیری، عوامل جامعه‌پذیری.

### مقدمه

اندیشه مهدویت، یکی از آموزه‌های مهم دین اسلام است که از ظرفیت‌های مطلوبی در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌باشد. کارکردهای این اندیشه، هم ناظر به زندگی حال و هم ناظر به آینده می‌باشد. باور به این اندیشه، باعث می‌شود تا آرمان‌گرایی، نشاط و پویایی، وظیفه‌شناسی و روح امید در افراد زنده شود و جامعه را در این زمینه‌ها به کوشش مضاعف وا دارد. این امر سبب می‌شود تا برای ایجاد و تحقق جامعه موعود و آرمانی اسلامی که در اندیشه اسلامی از آن به «حکومت جهانی امام مهدی 7» یاد می‌شود، جامعه منتظر از همه ظرفیت و پتانسیل خود استفاده کند؛ زیرا در جامعه موعود اسلامی، امامت و حاکمیت از آن امام معصوم 7 است و حکومت و وراثت در زمین از آن صالحان خواهد بود (سوره نور: ۵۵).

انتقال ارزش‌ها، هنجارها و تداوم و ثبات الگوهای رفتاری و ارزش‌های فرهنگی و دینی و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر همانند تداوم نسل انسان، ضروری است. از دیدگاه جامعه‌شناسان، استمرار و تداوم ارزش‌های فرهنگی و دینی و انتقال آن به نسل بعدی از طریق فرایند جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد.

از طریق جامعه‌پذیری مهدوی، به اشخاص هویت جمعی داده می‌شود و روح امید در افراد زنده شده و عواطف و احساسات او به درستی جهت داده می‌شود و در مجموع، موجب تبلور شخصیت دینی و مهدوی افراد می‌شود. همچنین زمینه‌های لازم برای انتقال فرهنگ مهدوی جامعه از نسلی به نسل دیگر فراهم می‌آید و در نتیجه، بقا و استمرار جامعه مهدوی را تضمین می‌کند. باید اقرار کرد که تاکنون بحث جامعی پیرامون مسأله یادشده صورت نگرفته و جای خالی تحقیق و پژوهش در این عرصه همچنان احساس می‌شود. این تحقیق از نظر هدف کاربردی است؛ و با هدف نشان‌دادن راه‌کارهای انتقال ارزش‌های مهدوی و جامعه‌پذیری مهدویت، با بهره‌گیری از روش تحلیلی و توصیفی و با تکنیک کتابخانه‌ای در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که: از چه راه‌هایی می‌توان اندیشه مهدویت را از نسلی به نسل دیگر منتقل و چگونه می‌توان آن را جامعه‌پذیر کرد؟

در نوشتار پیش‌رو، بعد از کلیات، از اشکال، عوامل و ابزار جامعه‌پذیری مهدوی، بحث و گفت‌وگو خواهد شد.

### تعریف جامعه‌پذیری

مفهوم جامعه‌پذیری، از مفاهیم نوظهور است و لذا پیشینه تاریخی طولانی ندارد؛ در ابتدا، بیشتر در علوم سیاسی کاربرد داشت ولی با توجه به اهمیت آن، این موضوع مورد توجه اندیشمندان رشته‌های علوم انسانی قرار گرفته و در حوزه‌های دیگر و از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار گرفت. «به‌لحاظ نظری، موضوع جامعه‌پذیری با توجه به پیچیده‌بودن و چند بعدی‌بودن، در رشته‌های مختلف علوم انسانی و از دیدگاه و زوایای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد» (حیدری، ۱۳۹۲: ۲۲).

بنابراین می‌توان گفت؛ جامعه‌پذیری، موضوعی میان‌رشته‌ای است و در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و... کاربرد دارد. یکی از حوزه‌های کاربرد آن، حوزه دین است. از سوی اندیشمندان جامعه‌شناسی تعاریف مختلفی از جامعه‌پذیری شده است. در یکی از این تعاریف آمده:

«جامعه‌پذیری، فرایندی است که به وسیله آن، فرد راه‌ها، افکار، معتقدات، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگ خاص جامعه خود را یاد می‌گیرد و آن را جزو شخصیت خویش می‌نماید» (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۴۱۵) و در تعریف دیگر گفته شده: «جامعه‌پذیری، جریان کنش متقابل است که از طریق آن، مردم شخصیت خود را به‌دست می‌آورند و شیوه زندگی جامعه خود را می‌آموزند» (یان، ۱۳۷۲: ۱۱۲).

در مجموع، می‌توان گفت: «جامعه‌پذیری، بازگوکننده همه تجربه‌هایی است که از طریق آن، اعضای جدید و تازه‌وارد جامعه، فرهنگ خویش را می‌آموزند. فرد تازه‌وارد، دانش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات جامعه خویش را از این راه کسب می‌نماید» (حیدری، ۱۳۹۲: ۲۲).

در فرایند جامعه‌پذیری، فرد با محیط اجتماعی که در آن قرار دارد، آشنا می‌شود و الگوهای رفتاری، دانش‌ها و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. فرد در فرایند جامعه‌پذیری که شامل طیف وسیعی از موضوعات از مهارت‌های اولیه زندگی گرفته تا باورها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، قادر می‌گردد با گروه‌ها و افراد جامعه روابط و کنش مؤثر داشته باشد (همان: ۲۱۵).

و در تعریف جامعه‌پذیری دینی، گفته شده: «جامعه‌پذیری دینی، فرایندی است که افراد یک جامعه به تدریج با باورها، اعمال، وظایف، آیین‌ها، مراسم، مناسک، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای دینی جامعه خود آشنا شده و آنها را فرا می‌گیرند. در این فرایند است که افراد الگوهای رفتار دینی را کسب کرده و به وظایف، حقوق و نقش‌های دینی خود در جامعه آگاه می‌شوند و موجب انتقال فرهنگ دینی از نسلی به نسل دیگر می‌شوند» (همان: ۴۳).

### اصول جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری، دارای اصولی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. جامعه‌پذیری، کنش متقابل اجتماعی است. «کنش متقابل اجتماعی بر حسب ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی خاص هر جامعه رخ می‌دهد. بنابراین، محتوای جامعه‌پذیری و الگوهای شخصیتی که از تجربه مشترک جامعه‌پذیری در یک فرهنگ خاص ناشی می‌شود، از جامعه‌ای تا جامعه دیگر متفاوت است» (یان، ۱۳۷۲: ۱۱۳).
۲. جامعه‌پذیری در طول عمر انسان ادامه و استمرار دارد. جامعه‌پذیری، به مجموعه ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های افراد بر می‌گردد. گرچه فرایند جامعه‌پذیری در طول عمر انسان تداوم و استمرار دارد اما مهم‌ترین بخش آن به دوران کودکی بر می‌گردد.

### ضرورت و اهمیت جامعه‌پذیری

«اجتماعی شدن، فرایندی است که طی آن کودک ناتوان، به تدریج به شخصی خود آگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده است، تبدیل می‌شود... اجتماعی شدن، نسل‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۶). همچنین «جامعه‌پذیری بر انتخاب‌های ما تأثیر می‌گذارد، قواعد، ارزش‌ها و اندیشه‌هایی را که به وسیله آنها، ما خودمان را کنترل می‌کنیم و جهان را می‌شناسیم، به ما می‌آموزد» (شارون، ۱۳۸۴: ۲۴۲).

### ابعاد جامعه‌پذیری

از دیدگاه «گی‌روشه»، سه عنصر در جامعه‌پذیری تأثیرگذار است: الف) اخذ فرهنگ ب) یگانگی فرهنگ با شخصیت ج) تطابق با محیط اجتماعی (روشه، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۴۰).

به نظر گی‌روشه، «نخستین بعد و وجه جامعه‌پذیری، عبارت است از یادگیری و اخذ معارف و مدل‌ها، ارزش‌ها و نمادها و به‌طور خلاصه شیوه‌های عمل، تفکر و احساس خاص گروه‌ها» (همان: ۱۳۸). از طرف دیگر، عناصر نظام اجتماعی و فرهنگ، جزئی از ساخت شخصیت انسان می‌شود و با آن یگانگی پیدا می‌کند. پس از این یگانگی، فرهنگ و نظام اجتماعی به اصول اخلاقی، قواعد آگاهی و شعور و همچنین شیوه‌های طبیعی یا بهنجار مبدل می‌شوند» (همان: ۱۳۹).

### جامعه‌پذیری مهدوی

جامعه‌پذیری مهدوی در واقع بخشی از فرایند عام جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری دینی است. بنابراین، می‌توان گفت: جامعه‌پذیری مهدوی، فرایندی است که طی آن افراد جامعه به تدریج با باورها، اعمال، وظایف، آیین‌ها، مراسم، مناسک، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای اندیشه مهدوی آشنا شده و آنها را فرا می‌گیرند و با درونی‌ساختن آنها به‌عنوان افراد معتقد به مهدویت، ظاهر می‌شوند و سبب انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر می‌شوند.

«جامعه‌پذیری دینی و به‌تبع آن، جامعه‌پذیری مهدوی، بسته به آن است که اعضای آن، مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها و گرایش‌های موجود در آن را درونی کرده و به نسل‌های جدید انتقال دهند» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۵۱). پس می‌توان گفت: منظور از جامعه‌پذیری مهدویت، شیوه آشنایی مردم با ارزش‌ها و هنجارهای اندیشه مهدویت است.

### عناصر اصلی جامعه‌پذیری مهدوی

عناصر اصلی جامعه‌پذیری مهدوی را می‌توان در قالب سه بخش اصلی خلاصه کرد:

الف) منابع جامعه‌پذیری مهدوی ب) محتوای جامعه‌پذیری مهدوی ج) روش جامعه‌پذیری

منظور از منابع جامعه‌پذیری مهدوی، زمینه‌ها و عواملی هستند که موجب انتقال فرهنگ

مهدوی می‌شوند و به عبارتی، فرایندهای مهم جامعه‌پذیری مهدوی در درون آنها رخ می‌دهد مانند: نهاد خانواده، مدرسه، رسانه، دین و مذهب و... و منظور از محتوای جامعه‌پذیری مهدوی، مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و آدابی است که در جامعه مهدوی وجود دارد و حیات مهدوی یک جامعه در بستر آنها به وجود می‌آید. از این مجموعه، می‌توان به‌عنوان فرهنگ مهدوی یاد کرد و منظور از روش جامعه‌پذیری مهدوی، عبارت است از راه‌هایی که یک منبع و عامل، از طریق آن، سعی در جامعه‌پذیر کردن اندیشه مهدویت دارد.

### اهداف جامعه‌پذیری مهدوی

به‌منظور پایدارماندن جامعه مهدوی، ضروری است هر نسل جدید در آن جامعه، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای موجود مهدوی را بشناسد و آنها را فرا گیرد؛ زیرا اگر جامعه‌ای نتواند این ارزش‌ها را به نسل جدید منتقل کند، نمی‌تواند پایدار بماند. پس برای پایدارماندن اندیشه مهدویت و جامعه مهدوی، لازم است در انتقال ارزش‌ها و رفتارهای مهدوی تلاش شود و این همان جامعه‌پذیری است. «بنابراین، ضروری است فرد باورها، ارزش‌ها، رفتارها و هنجارهای جامعه را فرا گیرد و سپس آنها را ملکه ذهن خود کرده و درونی کند» (روشه، ۱۳۷۶: ۵۷). علاوه بر آن، از طریق جامعه‌پذیری مهدوی به اشخاص هویت جمعی داده می‌شود و روح امید را در افراد زنده می‌کند و در مجموع موجب تبلور شخصیت دینی و مهدوی افراد می‌شود. همچنین زمینه‌های لازم برای انتقال فرهنگ مهدوی جامعه از نسلی به نسل دیگر فراهم آمده و بدین نحو استمرار جامعه مهدوی تضمین می‌شود.

### اشکال جامعه‌پذیری مهدویت

جامعه‌پذیری مهدوی ممکن است به دو شکل صورت گیرد:

#### ۱. یادگیری و انتقال مستقیم، آشکار و رسمی (مهرداد، ۱۳۷۶: ۷۵)

در این روش، افراد در یک فرایند رسمی و به‌طور مستقیم، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی و مهدوی را فرا می‌گیرند و اطلاعات، ارزش‌ها و احساسات ناظر بر اندیشه

مهدویت به صراحت به دیگران انتقال داده می‌شوند. این شکل از یادگیری، ممکن است از طریق آموزش معارف مهدوی در متون درسی مقاطع مختلف تحصیلی مدارس، دانشگاه و حوزه‌های علمیه صورت گیرد.

بر اساس چنین آموزش‌هایی و با تکیه بر این فرایند، ارزش‌های مهدوی در جامعه شکل می‌گیرند و الگوهای رفتاری به وجود می‌آیند که در ژرف‌ترین سطح آن، هویت و باورهای مذهبی و مهدوی در جامعه نهادینه می‌شود و نتیجه آن امیدواری و اتحاد و انسجام اجتماعی است.

## ۲. یادگیری و انتقال غیرمستقیم و غیررسمی

در این روش، عوامل متفاوتی به شکل غیرمستقیم در جامعه‌پذیری مهدوی نقش دارند. مانند: گروه همسالان و همکاران. علاوه بر آن، در این روش، اطلاعات و ارزش‌های دینی به صورت عام بر اندیشه مهدویت تأثیر می‌گذارد و راه انتقال اندیشه مهدویت به دیگران را هموار می‌کند و در شکل‌دهی اندیشه مهدویت تأثیر می‌گذارد. مثلاً، توجه به بحث عدالت و ظلم‌ستیزی که در مجموعه معارف دینی بر آن تأکید شده، سبب می‌شود تا گرایش به مهدویت را در افراد هموار سازد؛ زیرا ظلم‌ستیزی از آموزه‌های مهم مهدویت به‌شمار می‌رود.

اهمیت عدالت، موجب شده تا در روایات اسلامی نیز بر آن تأکید شود و از رسول خدا ﷺ در این زمینه وارد شده که: «زمین توسط حضرت مهدی 7 از عدل و داد پر می‌شود؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد» (صدوق، ۱۳۵۹، ج ۱: ۲۸۷).

جامعه‌پذیری مهدوی در سراسر زندگی افراد مسلمان و مؤمن، می‌تواند ادامه یابد و ارزش‌های مهدویت - که از دوران کودکی در افراد شکل می‌گیرند - با کسب علوم بیشتر و افزون‌تر از مجموعه معارف دینی، پیوسته تقویت و حتی تعدیل می‌شوند و از حالت احساس و شور، عمق بیشتری پیدا خواهند نمود. در نتیجه، جامعه‌پذیری مهدوی، موجب انتقال و دگرگونی فرهنگ دینی و ارزش‌های حاکم بر آن می‌شود و راهی برای انتقال اندیشه مهدوی و باورهای دینی به نسل بعد است. با توجه به اهمیت این مطلب جا دارد در ادامه، به عوامل و منابع مؤثر در جامعه‌پذیری مهدوی پرداخته شود.

## عوامل و ابزار جامعه‌پذیری مهدوی

یکی از عناصر اصلی جامعه‌پذیری مهدوی، زمینه‌ها و عواملی است که در جامعه‌پذیری مهدوی تأثیرگذار است و منظور از آن، زمینه‌ها و عواملی است که سبب انتقال فرهنگ مهدوی می‌شوند و فرایندهای مهم جامعه‌پذیری مهدوی در درون آنها رخ می‌دهد. مانند: نهاد خانواده، نهاد تعلیم و تربیت (اعم از مدارس و دانشگاه و حوزه‌ها)، نهاد رسانه، دین و مذهب. در این گفتار از مهم‌ترین این عوامل بحث و گفت‌وگو می‌شود.

### ۱. نهاد خانواده

یکی از عوامل مهم برای جامعه‌پذیری مهدوی، خانواده است. از دیدگاه اسلام، هدف از تشکیل خانواده، تنها ارضای غریزه جنسی نیست بلکه نکته مهم‌تری که اسلام از تشکیل خانواده دنبال می‌کند، ایجاد محیطی مساعد برای تهذیب نفس است. خانواده، همچون کارگاهی است که در آن خوی‌های اصیل انسانی از محبت، رأفت، تعاون، عفو، ایثار و دیگر صفات انسانی، می‌روید و رشد پیدا می‌کند و این همه صفات، که از نیازمندی‌های یک جامعه انسانی است، در آنجا شکل می‌گیرد و به کل جامعه سرایت می‌کند. اهمیت تربیت و نقش خانواده در این زمینه تا جایی است که خداوند، این رسالت مهم را بر عهده خانواده گذاشته و همه آن‌ها را در مقابل همدیگر مسئول قرار داده است و در این زمینه می‌فرماید: «خود و اهل تان (خانواده تان) را از آتش (جهنم) در امان بدارید» (سوره تحریم: ۶).

در امان داشتن از عذاب جهنم، از راه انجام عبادات و ترک محرمات خواهد بود و این مهم در صورتی محقق می‌شود که فرد از تربیت دینی لازم بر خوردار باشد. غیر از نگاه دینی، از منظرهای دیگری همچون جامعه‌شناسی نیز می‌توان به نقش خانواده و تأثیر آن در تربیت توجه داشت.

توسلی - از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی - در این زمینه می‌گوید: «به‌طور کلی، خانواده به دو دلیل پایه و اساس و خشت بنای جامعه انسانی است:

الف) از لحاظ تاریخی: خانواده و روابط خویشاوندی، نخستین ریشه‌های حیات اجتماعی انسانی را تشکیل می‌دهند. دانش گذشته ما، گواه این مطلب است که ابتدایی‌ترین



قیدی که انسان‌ها را به هم مرتبط کرده و از دوره ما قبل تاریخ تا زمان حال، ادامه یافته است، قید مناسبات خویشاوندی است. گفته می‌شود که اولین قید اجتماعی، در احساسات بشری نظیر عاطفه، وابستگی متقابل، تعلق و هم‌زیستی ریشه دارد. این قید را امروزه نیز در تمام جوامع بشری می‌توان مشاهده کرد. در واقع، می‌توان گفت که خانواده یکی از قلمروهای تجربه‌شده اجتماعی در همه جوامع است.

ب) خانواده از جهت دیگری نیز ریشه و اساس جامعه انسانی تلقی می‌شود. خانواده، نخستین گروه کوچک محلی است که همه افراد در آن متولد می‌شوند، در درون آن زندگی می‌کنند، مدتی از مؤثرترین سال‌های زندگی خود را در آن به سر می‌برند و در آنجا با اجتماع وسیع‌تر آشنا می‌شوند و می‌آموزند که عضو جامعه شوند. به نظر می‌رسد که روابط صمیمی بین والدین، مواظبت از وابستگان و کمک متقابل به یکدیگر، قبول مسئولیت‌ها و وظایف متقابلی که بین پدر و مادر توزیع شده است، همگی در همه جا توسط گروه‌های کوچک آموخته می‌شود و به صورت جزئی و شخصی در درون خانواده‌ها به آزمایش در می‌آید و اجرا می‌شود. به نظر می‌رسد که هیچ گروه دیگری نمی‌تواند این نیازها را برآورده کند... خانواده در ساختار اجتماعی و باورهای اجتماعی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.

کودک باید از دوران تولد تا سال‌های بعد از آن، یک اجتماع خانوادگی شاد و پایدار داشته باشد. کودکانی که در خانواده‌های خود پرورش می‌یابند، به آسانی و به‌طور کامل آنچه را که در اجتماع بزرگسالان در مورد آن‌ها ادامه می‌یابد، به خوبی مشاهده می‌کنند. خانواده، عامل مؤثر آموزش و پرورش است و کودکان را به‌طور واضح و مشخص به درون الگوهای مورد انتظار زندگی‌شان هدایت می‌کند» (توسلی، ۱۳۷۹: ۸۶).

در روان‌شناسی نیز به نقش و جایگاه خانواده توجه شده و بر آن تأکید رفته است، یکی از کارشناسان امور تربیتی در این زمینه می‌گوید:

«نهاد خانواده با کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد، در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ چه انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرا می‌گیرد و همواره با آن سروکار دارد. بنابراین، مهم‌ترین تجربیات انسانی، که اساسی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت محسوب

می‌شود، در درون خانواده نمود پیدا می‌کند و آموختن زبان و آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور افکار و اندیشه‌ها و همچنین جهت‌دهی به شخصیت انسان هم از خانواده شروع می‌شود، به همین جهت، خانواده تأثیرات عمده و عمیقی بر دیگر نهادهای اجتماعی خواهد داشت. سراسر تاریخ، گواه تأثیرات نهاد خانواده در اقتصاد، سیاست، علم و حتی تحولات اجتماعی بوده است. به عبارت دیگر، خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد در تاریخ، فرهنگ و تمدن انسانی است که افراد بشر در آن تعلیم می‌یابند و با شیوه‌های زندگی جمعی و روش تفاهم با دیگران آشنا می‌گردند و بستر فعلیت یافتن استعدادها و توانایی‌های انسانی، که بخش عظیمی از ابعاد شخصیت افراد، همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تحمل و بردباری در برابر دیگران است، در آن شکل می‌گیرد. از دیگر سو، بسیاری از ناکامی‌ها و شکست‌ها نیز که به انحراف و ناسازگاری بعدی منجر می‌شود، ریشه در زندگی خانوادگی دارند» (نجفی، ۱۳۷۵: ۵).

در حقیقت، خانواده، جایی است که «کودکان، نخستین وابستگی‌های عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در آن برقرار می‌سازند... از این رو، نهاد خانواده، معمولاً در ایجاد و استقرار گرایش‌ها و تفکرهایی که کودک در مراحل اولیه رشد کسب می‌کند مانند اعتقاد به امور غیر مادی، انجام مراسم و مناسک عبادی و... نقش اساسی دارد» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

یکی از عرصه‌هایی که خانواده در آن می‌تواند نقش داشته باشد، عرصه جامعه‌پذیری مهدوی است. خانواده، اساسی‌ترین بستر شکل‌گیری باورهای مهدوی و معنوی کودکان است؛ زیرا هر کودکی، دین، مذهب و باورهای بنیادین دینی و مهدوی را نخستین بار در دامان خانواده فرا می‌گیرد و در آن با بایدها و نبایدهای دین آشنا می‌شود.

والدین و اعضای خانواده، با عمل به ارزش‌ها، قواعد و الگوهای دینی، نقش مثبتی در به تصویر کشیدن ذهنیت مثبت کودک و نوجوان از این قواعد و الگوها دارند. دین‌داری والدین و پایبندی آنان به انجام اعمال دینی و مذهبی، تأثیر مثبت و بالایی در گرایش دینی نوجوانان و جوانان و رعایت ارزش‌های دینی توسط آنان دارد. وقتی والدین، به یک ارزش یا هنجار دینی و اجتماعی اعتقاد داشته باشند و آنها را در رفتار و اعمال خود به کار گیرند، فرزندان آن خانواده هم با آن ارزش‌ها آشنا شده و آن را در زندگی خود به کار می‌گیرند.

خانواده با انتقال ارزش‌های اندیشه مهدویت، می‌تواند نوآموزان و فراگیران را برای نوع خاصی از حیات فردی و اجتماعی و سیاسی آماده سازد و به همین دلیل، پرورش و تربیت فرد منتظر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا رویکرد تربیتی انتظار، عناصری همچون آگاهی‌بخشی، بیداری‌آفرین و تحول‌گرایی را در بطن خویش دارد و سبب می‌شود تا جامعه‌پذیری مهدوی در فرزندان شکل گیرد. بنابراین، انتقال فرهنگ مهدویت به‌ویژه فلسفه تربیتی انتظار، به نسل نو و کسانی که آشنایی کمتری با مهدویت دارند، از وظایف مهم خانواده می‌باشد.

خانواده با انتقال این فرهنگ به نسل نو می‌تواند اهداف ذیل را دنبال نماید:

#### الف. تأمین سعادت اخروی

در آموزه‌های شیعی آمده که در هر عصری، امامی از طرف خداوند برای مردم تعیین شده است. ایمان افراد، به شناخت امام و اقرار و التزام به امامت او، وابسته است. پس باید به فرزندان خود بیاموزیم، امام مهدی ۷ کیست؟ و چه نقشی در زندگی ما دارد؟ باید بیاموزیم، او امامی است که خداوند برای بشریت تعیین کرده و سعادت اخروی آن‌ها در گرو اعتقاد و التزام به امامت اوست. بنابراین، اولین هدفی که ما در انتقال فرهنگ مهدویت و انتظار، به دنبال تأمین آن هستیم، سعادت‌مندشدن فرزندانمان در آخرت است.

#### ب. تربیت زمینه‌سازان ظهور

هدف دیگری که خانواده می‌تواند با گسترش فرهنگ مهدویت آن را دنبال کند، تربیت و آماده‌ساختن زمینه‌سازان ظهور است؛ زیرا ظهور امام عصر ۷ مرهون زمینه‌سازی و آمادگی عمومی مردم برای پذیرش امر ظهور است. بنابراین یکی دیگر از اهداف انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو، در واقع آشناکردن آن‌ها با وضعیت ایده‌آل جامعه بشری، به‌منظور شناخت جایگاه وضعیت موجود و سپس شناساندن وضعیت ایده‌آل به جامعه جهانی توسط آن‌هاست. نسل نو، باید وضعیت ایده‌آلی را که در جامعه مهدوی تحقق خواهد یافت، بشناسد تا بتواند جایگاه و وضعیت موجود را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

۳. هدف دیگری که خانواده می‌تواند در انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو دنبال کند،

همسان‌سازی شخصیت آن‌ها با شخصیت‌های ایده‌آل است. نسل نو، با شناخت شاخص‌های انسان عصر مهدوی، تلاش می‌کند خود را با این شاخص‌ها، هماهنگ و با انسان‌های عصر ظهور همگون سازد و این، همان چیزی است که می‌توان از آن به‌عنوان تربیت‌مدیر و نیروی انسانی مهدوی یاد کرد؛ زیرا یاران حضرت مهدی 7 و مدیران حکومت آن حضرت، از میان همین منتظران ظهور، خواهند بود. بنابراین لازم است نسل نو، هماهنگ با شاخص‌های انسان عصر مهدوی تربیت شوند، تا بتواند از زمینه‌سازان ظهور باشند و در صف یاران خاص امام مهدی 7 قرار گیرند.

### عوامل و راهکارهای مناسب در جامعه‌پذیری مهدوی فرزندان در خانواده

#### ۱. بسترسازی مناسب

یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای تربیت مهدوی و آشنایی نسل نو با فرهنگ مهدوی، بسترسازی است. پرورش نسل نو و تبدیل آن‌ها به نومنتظران ظهور امام مهدی 7، نیازمند بستر مناسب و فضای سالم است. بنابراین نخستین کاری که در انتقال فرهنگ مهدویت باید انجام شود، فضاسازی و بسترسازی مناسب است؛ زیرا قرار گرفتن در فضایی خاص، باعث می‌شود تا افراد مطابق آن فضا حرکت کنند و اگر فضای تربیتی ما، فضای تربیت مهدوی نباشد، شناساندن فرهنگ انتظار به افراد با مشکل مواجه خواهد شد. فضاسازی تربیتی دارای چند مرحله است:

#### ۱-۱. فضای خانواده

اولین مطلبی که در فضاسازی تربیت مهدوی مؤثر است، فضاسازی تربیت مهدوی در منزل می‌باشد. باید تلاش کرد تا در منزل، فضای تربیت مهدوی حاکم باشد؛ یعنی فرزندان باید پایبندی به ارزش‌های مهدویت و انتظار را در خانه لمس کنند و والدین خویش را نسبت به ارزش‌های مهدوی مسئول و حساس ببینند. در غیر این صورت، ارزش‌های آن به درستی به آنها منتقل نخواهد شد. همان‌طور که فرهنگ مسواک‌زدن هنگام خواب بدون پایبندی والدین به این امر، به درستی به فرزند منتقل نمی‌شود، فرهنگ انتظار نیز در وجود کودک بدون پایبندی والدین به لوازم این فرهنگ، شکوفا نخواهد شد.

## ۲-۱. فضای آموزشی

مرحله دوم، مرحله فضاهای آموزشی و در نگاه کلان‌تر، فضای جامعه است. فضاهای آموزشی اعم از مراکز نگهداری کودکان و دبستان‌ها و مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها و حتی دانشگاه‌ها باید عطر و بوی فرهنگ مهدویت داشته باشند تا هر کسی که در این فضاها قرار می‌گیرد، معطر به این عطر گردد. اگر فضاهای آموزشی ما با فضای منزل، هماهنگ نباشد، اثرات مثبت فضای منزل را نیز از بین خواهد برد. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این مرحله قابل دقت و تأمل است، مسئله لزوم هماهنگی نظام آموزشی با نظام ارزشی است. متون آموزشی مراکز علمی، باید با فرهنگ اسلامی همخوانی داشته باشد. در غیر این صورت، تربیت هم‌سو با فرهنگ اسلامی، بسیار سخت و بلکه غیرممکن خواهد بود.

## ۳-۱. فضای جامعه

مرحله سوم، فضای جامعه است. جامعه‌ای که در انتظار حکومت مهدی ۷ است، لازم است با جوامع دیگر تفاوت داشته باشد. این جامعه باید با ارزش‌های انتظار و ویژگی‌های عصر ظهور آشنا باشند. اگر فضای حاکم بر جامعه، عاری از روحیه مهدوی و انتظار باشد، تربیت نسل نو و آشنا کردن آن‌ها با فرهنگ مهدویت بسیار مشکل خواهد بود.

## ۲. مخاطب‌شناسی

مسئله دیگری که در انتقال فرهنگ مهدویت حائز اهمیت است، مسئله توجه به مخاطب است. مخاطبان فرهنگ مهدویت و انتظار به گروه‌های مختلف سنی و علمی تقسیم می‌شوند:

### ۲-۱. کودکان

انتقال فرهنگ مهدویت و انتظار به آن‌ها، تنها به روش عملی ممکن است؛ زیرا نمی‌توان برای تفهیم فرهنگ مهدویت به کودک، از استدلال کمک گرفت. بنابراین برای آشنا کردن کودکان با فرهنگ انتظار، کافی است فضای منزل و مدرسه به روش عملی، به فضای انتظار و ارزش‌های آن تبدیل شود.

گره‌زدن فرهنگ مهدویت با علایق کودکان، راه کار مهمی در انتقال این فرهنگ به

کودکان است. مثلاً کودکان به عیدی گرفتن و قصه، علاقه زیادی دارند. در انتقال فرهنگ مهدویت، می‌توان از همین علاقه کودک استفاده کرده و این فرهنگ را در قالب قصه‌های جذاب کودکان به او منتقل کرد و یا به مناسبت‌های مختلفی مانند روز نیمه شعبان یا روز به امامت رسیدن امام مهدی 7 به کودکان هدیه داد؛ هدیه‌ای که در این روز به کودک داده می‌شود، باید حداقل با هدایایی که کودک به مناسبت‌های دیگر دریافت می‌کند، هم‌شأن باشد و به عبارت دیگر، باید کاری کرد که کودک به انتظار آمدن این روزها، لحظه‌شماری کند.

#### ۲-۲. نوجوانان

گروه دوم، گروه نوجوانان هستند که می‌توان با تهیه درس‌نامه‌های مهدویت که متناسب با این سن و سال است و همچنین داستان‌ها و رمان‌های جذاب با اقتباس از فرهنگ مهدویت، و فیلم و مانند آن، آنها را با فرهنگ مهدویت آشنا کرد. در انتقال فرهنگ انتظار به این گروه، ایجاد نیاز در آنها بسیار مهم است. باید در برخورد با این گروه سنی، پرسش‌هایی را که تنها گفتمان مهدویت جواب‌گوی آنهاست، در ذهن آنها ایجاد کرد و سپس از آنها خواسته شود تا جواب آنها را پیدا کنند و البته بایستی در رسیدن به پاسخ‌های درست، آنها را یاری کرد.

#### ۲-۳. جوانان

گروه سوم، جوانان هستند. آشنا کردن آنان با اندیشه مهدویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر متولیان امور دینی مانند حوزه‌های علوم دینی و نظام تعلیم و تربیت، لازم است تا با حساسیت خاصی به این موضوع بپردازند و با تهیه درس‌نامه‌های متناسب با سن جوانی درصدد تحکیم بنیان‌های فکری آنان بر آیند. علاوه بر آن، با تولید فیلم‌های مورد نیاز آنها و تهیه داستان‌ها و رمان‌های جذاب، احساسات و عواطف آنان را به درستی هدایت کنند و از سطحی‌نگری و کم‌عمقی این گروه سنی جلوگیری کنند.

#### ۲-۴. بزرگسالان و فرهیختگان

«گروه چهارم، بزرگسالان و فرهیخته‌گان جامعه هستند. این گروه به دلیل مطالعاتی که درباره آخرالزمان و آینده بشریت دارند، با چالش‌هایی در زمینه مهدویت مواجه هستند.

در انتقال فرهنگ مهدویت به این گروه، کافی است این چالش‌ها را برطرف کنیم و این مهم با نوشتن کتاب‌ها و مقالات علمی و [توجه به] سؤال‌ها و شبهات جدیدی که در عرصه مهدویت و آخرالزمان مطرح شده، حاصل می‌شود» (زندوی، ۱۳۹۰).

### ۳. رعایت اصل آسان‌گیری در انتقال ارزش‌های دینی و مهدوی به کودکان

رعایت اصل آسان‌گیری در انتقال آموزه‌های دینی، مهدوی به فرزندان، از اصولی است که خانواده و سایر اولیای تعلیم و تربیت باید بدان توجه کنند. به این اصل در روایات نیز اشاره شده است. رسول خدا ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید و گشاده‌رویی کنید» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۶۸).

پیامبر ﷺ آنگاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد با یادآوری این نکته به ایشان فرمودند: «ای معاذ! آسان بگیر و سخت‌گیری مکن و به مردم بشارت و مژده بده...» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۵۸۹).

### ۴. رعایت اصل تدریجی و مراعات توان و استعداد کودک در انتقال ارزش‌های دینی و مهدوی به او

با توجه به مراحل مختلف سنی و توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی، لازم است آموزش مفاهیم دینی و مهدوی نیز بر اساس آن تنظیم شوند و به تدریج با رعایت توان و استعداد افراد به آنان منتقل گردد. رعایت این اصل در جامعه‌پذیری دینی و مهدوی ضروری است.

### ۵. استمرار و مداومت در آموزش مفاهیم مهدوی به فرزندان

استمرار و مداومت یکی دیگر از اصولی است که در تعلیم و تربیت و انتقال ارزش‌های والای دینی و مهدوی برای جامعه‌پذیری لازم است.

### ۲. نهاد تعلیم و تربیت (مدرسه)

نهاد تعلیم و تربیت به‌ویژه مدرسه - بعد از خانواده - مهم‌ترین نهادی است که نقش عمده‌ای در جامعه‌پذیری افراد به‌خصوص کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. این نهاد

می‌تواند در آشنا کردن نسل نوجوان و جوان با آموزه‌های دینی و مهدویت تأثیرگذار باشد و آنان را به وظایف‌شان در این زمینه آشنا سازد. و در ارزش‌ها و رفتارها و عملکردهای آنان تأثیر گذارد. «در میان همه نهادهای آموزشی، مدرسه نقش مهم‌تری در جامعه‌پذیری دارد؛ زیرا آموزش‌های دینی و مهدوی که در مدرسه به نوجوان و جوان ارائه می‌گردد، در رشد دینی و شخصیت مذهبی آنان بسیار تأثیرگذار است. البته این آموزش‌ها در صورتی مؤثر واقع می‌شوند که در امتداد آموزش نهادهای دیگر، به‌خصوص خانواده، دوستان، همسالان، مساجد و رسانه‌های جمعی باشد... برخی گفته‌اند، شکل‌گیری مفهوم خدا و اعتقاد به او، از خانه شروع و در مدرسه حالت رسمی به خود می‌گیرد و در فرد ثبات پیدا می‌کند. لذا معلمان و مسئولان تربیتی و آموزشی که می‌خواهند در خصوص آموزش‌های مذهبی فعالیت کنند، باید از روان‌شناسی کودک و حالات روحی و عاطفی وی اطلاع کافی داشته باشند» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۷۱-۱۷۲).

### راه‌کارهای انتقال ارزش‌های مهدوی توسط نهاد تعلیم و تربیت

آشناسازی افراد با مفاهیم دینی و مهدوی و ترغیب آنان به رفتارهای دینی در مدارس را می‌توان از چند طریق انجام داد:

۱. کتب و متون درسی و برنامه‌های آموزشی. ۲. ارتباطات و تعامل معلمان و اساتید با دانش‌آموزان و دانشجویان. ۳. فضای عمومی مدرسه و دانشگاه و تبلیغات مناسب در آن. ۴. گروه‌ها و انجمن‌های موجود در مدرسه و دانشگاه.

### ۳. گروه همسالان (همسانان)

یکی دیگر از عوامل جامعه‌پذیری، گروه همسالان (همسانان) است؛ به‌ویژه از عوامل مهم اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌رود. این گروه، شامل: گروه کودکان همبازی، طبقه‌های دوستان، گروه‌های مختلف در مدارس، دانشگاه، ادارات و گروه‌های کوچک اجتماعی است که اعضای آنها موقعیت اجتماعی نسبتاً برابر و پیوندهای نزدیکی با هم دارند. همسالان می‌توانند از طریق تعامل با یکدیگر، ارزش‌های اجتماعی را به همدیگر انتقال دهند.



«افراد از آن رو نظر همسانان خود را پذیرا می‌شوند که یا آنان را دوست دارند یا برای‌شان احترام قائلند و یا مایلند شبیه آنان گردند... گروه همسانان از طریق برانگیختن یا وارد کردن اعضای خود به متابعت از ایستارها یا رفتارهای پذیرفته‌شده گروه، آنها را جامعه‌پذیر می‌سازد» (آلموند، ۱۳۷۷: ۶۶). از میان گروه‌های مختلف، خانواده و گروه همسانان تأثیر ژرفی در شخصیت افراد دارند. در گروه همسانان نیز دوران نوجوانی اهمیت بیشتری دارد، زیرا دوستی‌ها در دوران نوجوانی مستحکم می‌شوند و عمق بیشتری پیدا می‌کنند. این گروه‌ها، در انتقال ارزش‌های دینی و به‌دنبال آن در جامعه‌پذیری دینی، می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند، زیرا همسال‌بودن موجب همدلی و هم‌زبانی می‌شود و از این طریق روابط عاطفی عمیقی پدید می‌آید. با توجه به اهمیت این گروه‌ها، برخی از جامعه‌شناسان مانند «ریزن» گفته‌اند:

«گروه‌های هم‌سن در روند جامعه‌پذیری به تدریج جای خانواده و دیگر عوامل اقتدار را می‌گیرند و در جوامع توسعه‌یافته، افراد به‌طور روزافزونی به سوی گروه‌های هم‌سن تمایل پیدا می‌کنند و برای الگوی رفتارهای دینی و اجتماعی خود، به‌جای اینکه بر افراد هم‌سن‌تر و مقتدرتر تکیه کنند، به گروه‌های هم‌سن خود متمایل می‌شوند» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۶۸-۱۶۹).

تأثیر گروه همسالان در دوره نوجوانی، بیش از هر دوره‌ای است و نقطه عطفی در حوزه زندگی شخص محسوب می‌شود. «در این مرحله، اشتیاق شخص برای فعالیت و مشارکت در امور مختلف دینی اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. در واقع، بسیاری از جنبه‌های جامعه‌پذیری در گروه‌های همسالان با دوران کودکی تفاوت قابل‌توجهی دارد. این گروه‌ها، نیروهای مهمی را در جامعه تشکیل می‌دهند و نقش پُررنگی در حفظ، تداوم و تعادل گرایش‌ها و رفتارهای دینی مختلف بازی می‌کنند و تأثیر دینی دوستان بر جامعه‌پذیری دینی جوانان می‌تواند تأثیر مستقیم داشته باشد» (همان: ۱۶۹).

در منابع و متون دینی نیز بر تأثیرگذار بودن گروه همسالان و دوستان تأکید شده و در برخی از دستورات دینی خواسته شده تا در انتخاب دوست، دقت لازم انجام شود؛ زیرا دوست خوب و شایسته در تعالی روحی و اخلاقی فرد تأثیرگذار است. بنابراین، گروه همسالان می‌تواند یکی از عوامل مهم برای جامعه‌پذیری مهدویت

به حساب آید که بر اساس آن دوستان همسال می‌توانند ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مهدوی را به همدیگر منتقل کنند و از این طریق به انتقال ارزش‌های مهدویت به نسل‌های بعدی کمک نمایند. مهم‌ترین راه‌کار در این زمینه، ایجاد گروه‌های همسو - که از جهت سنی به هم نزدیک باشند - برای فعالیت در عرصه مهدویت است. مانند: ایجاد انجمن‌های مهدوی در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه که در آنها فعالیت‌هایی همچون مطالعه آثار مهدوی، برگزاری مجالس دعا، جشن و سرور و برنامه‌های مشابه صورت گیرد.

#### ۴. نهادهای دینی و مذهبی

یکی از دیگر نهادهای مؤثر در جامعه‌پذیری مهدویت و انتقال ارزش‌های مهدوی به نسل نو، نهاد دین و مذهب است. مذهب حامل ارزش‌های فکری و فرهنگی و اخلاقی می‌باشد که بر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد تأثیرگذار می‌باشند. رهبران مذهبی آموزگار و مربی مردم‌اند و همواره در صددند تا از طریق آموزش معارف دینی و مذهبی جامعه‌پذیری کودکان را تحت تدبیر قرار دهند و به آن شکل بخشند. مهم‌ترین سازمان‌ها، نهادها و کانون‌های دینی که در جامعه‌پذیر کردن دین و اندیشه مهدویت می‌توانند نقش بیشتری داشته باشند عبارتند از:

##### ۴-۱. نهاد تبلیغ (سازمان روحانیت)

سازمان روحانیت، متولی اصلی تبلیغ دین محسوب می‌شود و مرجع رسمی تبیین ارزش‌ها و هنجارهای دینی و تثبیت باورهای دینی در جامعه است. در حدیث مشهور که رسالت عالمان دین را در عصر غیبت بیان می‌کند به این نکته اشاره شده است. بر اساس این روایت، عالمان دینی وارثان ائمه 7 و حجت از ناحیه آنان بر مردم معرفی شده‌اند (شیخ صدوق، ۱۳۵۹، ج ۲: ۴۸۴). بنابراین، وظیفه انتقال اصول، ارزش‌ها، احکام و دستورات دینی در جامعه بر عهده علمای دینی است. «روحانیت با محور قرار دادن فعالیت‌های فرهنگی و فکری و با استفاده از زمینه‌ها و شیوه‌های مختلف سعی در ترویج فرهنگ دینی در میان مردم و جامعه‌پذیر نمودن دینی مردم دارند» (حیدری، ۱۳۹۲: ۲۰۲). برخی از عرصه‌های

تأثیر گذاری عالمان دینی بر جامعه پذیری دینی عبارتند از:

#### ۱-۱-۴. مرجعیت و رهبری دینی

«با توجه به رسالتی که بر عهده عالمان دینی است، آنان، مرجع رسمی باورها و ارزش‌های دینی در جامعه محسوب می‌شوند و به لحاظ عملی نیز، الگوهای اخلاقی و معنوی دین‌داران به حساب می‌آیند. این جایگاه، موجب نفوذ فوق‌العاده آن‌ها در میان دین‌داران و تقویت پیوند مردم با آنان است» (همان: ۲۰۴).

#### ۲-۱-۴. مجالس وعظ و خطابه

یکی از ابزارهای سنتی برای تبلیغ دین، مجالس وعظ و خطابه است. این ابزار مهم، در انتقال ارزش‌های دینی به‌ویژه ارزش‌ها و معارف مهدوی، می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند و در جامعه‌پذیری مهدوی تأثیر داشته باشد. بنابراین اگر با برنامه‌ریزی دقیق برای سنین مختلف از کودک و نوجوان و جوان و... دارای برنامه و مطالب مفید باشد تأثیر گذاری‌اش در جامعه‌پذیری دینی و مهدوی بیشتر و مفیدتر خواهد بود (همان).

#### ۳-۱-۴. از طریق ورود در نهاد تعلیم و تربیت

از دیگر زمینه‌های فعالیت عالمان دینی، ورود در نهاد تعلیم و تربیت از جمله مدارس و دانشگاه‌ها است. تدریس دروسی چون بینش اسلامی و دروس تخصصی در رشته‌های علوم انسانی موجب ارتباط این قشر با نسل جوان می‌شود و در نتیجه برای انتقال آموزه‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای دینی به‌خصوص مهدوی به نسل جوان مؤثر خواهد بود.

#### ۲-۴. مساجد

«مساجد یکی از کانون‌های تأثیرگذار دینی در جامعه‌پذیر نمودن دین و معارف مهدوی و به‌عنوان کانون و پایگاه مطمئن برای تبلیغ و ترویج دین محسوب می‌شود» (همان: ۱۹۶).

«مساجد ضمن آنکه زمینه یادگیری معارف دین را برای مراجعه‌کنندگان فراهم می‌کند، از طریق ایجاد پیوند معنوی و عاطفی میان فرد و ارزش‌های دینی موجب

درونی شدن آنها در او می‌گردد» (همان: ۱۹۹). از جمله فعالیت‌هایی که در مساجد صورت می‌گیرد و در جامعه‌پذیری دین تأثیر دارد عبارتند از: ۱- وعظ و خطابه ۲- آموزش معارف دین ۳- اجرای مراسم و آیین‌های مذهبی.

«در مجموع، امروزه مسجد می‌تواند به‌عنوان کانونی برای انتقال معارف گوناگون دینی به‌ویژه به کودکان و جوانان که در معرض آسیب‌های جدی فرهنگی و اجتماعی قرار دارند، مورد استفاده قرار گیرد. با ایجاد ارتباط میان مسجد و دیگر کانون‌ها مانند ورزشگاه‌ها، مدارس و مانند آن و دعوت از اعضای آنها برای حضور در برنامه‌های مسجد، می‌توان بین گروه‌های اجتماعی پیوند ایجاد کرده و از این طریق به جامعه‌پذیری معارف دینی و مهدوی کمک کرد» (همان: ۱۹۸).

### ۳-۴. اماکن زیارتی

از دیگر عوامل مؤثر در جامعه‌پذیر کردن دینی و مهدوی مردم، اماکن زیارتی است؛ زیرا حضور در این اماکن و زیارت شخصیت‌های بزرگ دینی و مکان‌هایی که از نظر دینی مقدس به حساب می‌آیند، بر نگرش و رفتار افراد تأثیر دارد. «پدیده زیارت، پیوندهای عمیق روحی و روانی میان زائر با شخصیت زیارت‌شده - که از نظر دینی مورد احترام است - پدید می‌آورد و از این جهت می‌توان آن را یکی از عوامل جامعه‌پذیری دینی دانست» (همان: ۲۱۰). بنابراین افراد پس از زیارت، دستخوش تغییرات و تحولات درونی می‌شوند و زیارت، تغییراتی را در رفتار آنان به‌وجود می‌آورد. این چنین تغییراتی، افراد را به سوی دین و ارزش‌های دینی سوق می‌دهد و در نتیجه، می‌تواند در جامعه‌پذیر نمودن دین و مهدویت مؤثر باشد.

### ۴-۴. اماکن منسوب به امام زمان 7

در بعضی از کشورهای اسلامی به‌ویژه مناطق شیعه‌نشین اماکنی وجود دارد که مورد توجه مردم مسلمان و شیعه است و قداست و معنویت خاصی دارد. مردم ساعت‌ها و روزها و شب‌هایی در این مکان‌ها بیتوته کرده و به راز و نیاز با خداوند مشغول می‌شوند. این اماکن، به جهت انتساب به حضرت مهدی 7 از قداست خاصی برخوردار می‌باشند. این

اماکن گاه با نام مقام صاحب‌الزمان و گاه به نام مسجد خاص شناخته می‌شوند. برخی از بزرگان امامیه، ادعیه‌ای را نیز در زیارت برخی از این اماکن توصیه نموده‌اند. فرد با حضور در این اماکن - که منسوب به حضرت حجت ۷ است - احساس حضور بیشتری از امام ۷ دارد و خود را در محضر آن بزرگوار می‌بیند و تعهد بیشتری را نسبت به آن حضرت، احساس می‌کند. علاوه بر آن، الزام به انجام برنامه‌های مخصوص هر یک از زیارت‌گاه‌های منسوب از قبیل نماز مخصوص، ادعیه و زیارات می‌تواند در ارتباط قلبی و معنوی افراد با امام مهدی ۷ مؤثر باشد و موجب تحکیم رابطه با امام ۷ شود و در نتیجه، بر رفتارها، اعمال و الگوهای افراد تأثیرگذار خواهد بود و این نیز بر جامعه‌پذیری مهدوی مؤثر است. به‌ویژه اگر اماکن منسوب با برنامه‌ریزی دقیق دارای برنامه‌های متنوع به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان و جوانان باشند. این امر هرچه بیشتر بر کارایی آن اماکن خواهد افزود و جامعه‌پذیری مهدوی را سهل‌تر می‌کند.

#### ۴-۵. دسته‌جات و هیئات مذهبی

از عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری مهدویت، دسته‌جات و هیئات مذهبی است. آنها با سابقه دیرینی که در فرهنگ شیعی دارند، از ارکان غیرقابل انکار جوامع شیعی به حساب می‌آیند.

«اثربخشی و نقش‌آفرینی این تشکیلات دینی در معادلات اجتماعی، از واقعیت‌ها و امتیازات جوامع شیعی است که تاریخ تشیع به‌ویژه در قرون اخیر، مؤید آن است. از منظر جامعه‌شناختی، اگر بخواهیم شأن واقعی و کارکرد حقیقی هیئات مذهبی را در جامعه بدانیم، باید به آنها به‌عنوان نهادهایی اجتماعی و فراتر از یک تشکل یا تجمع دینی بنگریم که صرفاً به‌منظور و با هدف نشر و تعظیم آداب و رفتارهای دینی شکل گرفته‌اند و نقش آنها را در سیستم اجتماع، با همه پیچیدگی و درهم‌تنیدگی آن، در حکم یک نهاد اجتماعی پویا و اثرگذار باید در نظر گرفت. این هیئات، سازمان‌های غیردولتی خودجوش و کاملاً مردمی‌اند که مبتنی بر باورها و اعتقادات ناب دینی مردم شکل می‌گیرند، اما کارکردی فراتر از یک تجمع دینی ساده می‌یابند. حضور گسترده، بی‌شائبه و خالصانه و در عین حال آگاهانه مردم در مراسم‌های دینی که در قالب هیئات مذهبی متبلور می‌شود، نه

تنها از امتیازات کم‌نظیر جامعه دینی و نشانه رسوخ و عمق تفکر شیعی در اجتماع است، بلکه از پتانسیل‌های گران‌بهایی است که مانند آن در بسیاری از جوامع دیگر دیده نمی‌شود و این فرصتی است که باید از آن به نحو مطلوبی استفاده کرد؛ فرصتی که می‌توان از آن جهت گسترش اندیشه دینی، ترویج و نشر ارزش‌ها و باورهای مذهبی، ارتقای مهارت‌های اجتماعی، همگرایی عمومی و اتحاد ملی، بهبود و هدایت بینش و درک سیاسی، رفع نابسامانی‌های اقتصادی، اصلاح نقایص اخلاقی، بهبود و رشد فرهنگ ملی، تعاون و همفکری و همراهی عمومی و... استفاده نمود. در نگرش اجتماعی، هیئات مذهبی [مانند] سفره‌هایی هستند که کسب ثواب، اجر معنوی و تقرب روحی ناشی از فعالیت‌های مذهبی تنها یکی از بهره‌های آن است» (طالب‌پور، ۱۳۸۸). بنابراین هیئات مذهبی، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم برای انتقال ارزش‌ها و باورهای دینی به‌ویژه مهدوی به نوجوانان و جوانان می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند و در جامعه‌پذیری مهدویت تأثیرگذار خواهند بود.

#### ۶-۴. ادعیه مربوط به امام مهدی ۷

از دیگر عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری مهدویت، تأمل و دقت در ادعیه مربوط به امام عصر ۷ است. این ادعیه از چند جهت می‌توانند تأثیرگذار باشند. یکی از جهت برانگیختن عواطف و احساسات نسبت به امام زمان ۷ است؛ زیرا افرادی که در مجالس دعا به نام امام عصر ۷ حضور می‌یابند و به یاد آن حضرت و برای ایشان دست به دعا بلند می‌کنند خود حضور در مجلس دعا در برانگیختن عواطف افراد می‌تواند مؤثر باشد و تقارن روحی برای فرد با آن حضرت ایجاد می‌کند. چراکه فرد در چنین حالی، خود را در پیشگاه امام عصر ۷ حاضر می‌بیند و به وی اقتدا می‌کند. نظیر حضور در دعای ندبه.

به‌طور طبیعی این امر موجب تحکیم باور مهدوی و باعث انتقال ارزش‌های آن به افراد خواهد شد و در نتیجه، در جامعه‌پذیری مهدویت تأثیر می‌گذارد. بُعد دیگر، معرفت عمیقی است که در سایه تأمل و تدبیر در ادعیه مربوط به امام عصر ۷ ممکن است نصیب فرد شود. در این صورت، فرد به مانند کسانی تربیت می‌یابد که نسبت به امام حق معرفت پیدا می‌کند. چنان که در روایات بر آن تأکید بسیاری شده

است. این امر از مطلب اول، به مراتب مهم‌تر و دارای اهمیت بیشتری است؛ زیرا معرفت امام زمان ۷ وقتی در فرد ریشه دواند، آن وقت به ارزش‌ها و هنجارهای مهدوی بیشتر توجه خواهد کرد و چنین ارزش‌ها و باورهایی هرگز زایل نخواهد شد. بنابراین، یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیر کردن مهدویت، را می‌توان ادعیه مرتبط با امام مهدی ۷ برشمرد.

##### ۵. نهاد رسانه

از دیگر عوامل تأثیرگذار در جامعه‌پذیری مهدویت، نهاد رسانه است. امروزه، نقش رسانه در حوزه ارتباطات بسیار گسترده و تأثیرگذار است. روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون و... در سوق دادن مردم به ارزش‌ها و رفتارها می‌توانند نقش مهمی داشته باشند و بخش عظیمی از فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از طریق رسانه‌ها دریافت می‌شوند و بخش زیادی از جامعه‌پذیری مردم توسط رسانه‌ها شکل می‌گیرد؛ یعنی رسانه‌های جمعی علاوه بر ارائه اطلاعات درباره حوادث و رویدادهای مختلف، می‌توانند در انتقال ارزش‌هایی که یک جامعه بر آن وفاق دارند، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم نقش داشته باشند. با توجه به اهمیت رسانه در این زمینه گفته شده: «نفوذ و تأثیر رسانه‌ها تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها، اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند... رسانه‌ها، به‌ویژه در جریان جامعه‌پذیری کودکان، نوجوانان و جوانان نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ بدین معنی که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به نسل جدید انتقال می‌دهند و آن را درونی می‌کنند» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

«رسانه‌های جمعی، انتقال‌دهنده فرهنگ بوده و [در انتقال] ارزش‌ها و هنجارها را از یک نسل به نسل دیگر و از افراد جامعه به تازه‌واردان کاربرد دارند. رسانه‌ها وظیفه انتشار انواع معرفت را بر عهده دارند و در مقایسه با سایر نهادهای اجتماعی بر تعداد بیشتری اثر می‌گذارند» (همان: ۱۷۹-۱۸۰).

در مجموع، می‌توان گفت: «رسانه‌ها می‌توانند در جامعه‌پذیری افراد، نقش مثبتی ایفا کنند و همچون ابزار مؤثر و کارآمد در خدمت اعتلای ارزش‌های والای انسانی و پروراندن فضایل اخلاقی قرار گیرند. بنابراین، می‌توان گفت: کارکرد رسانه در جامعه‌پذیری، یک کارکرد تقویتی است» (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۰۱). در نتیجه، می‌توان گفت:

رسانه، ابزاری است که می‌تواند در خدمت دین و ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی قرار گیرد. «رسانه، در نهادینه کردن باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی نقش مؤثری دارد و موجب بسط و تقویت ارزش‌ها در میان افراد می‌شود. با توجه به این رویکرد، رسانه می‌تواند در جامعه‌پذیری دینی نقش مهمی را ایفا کند و در ردیف مدرسه و دانشگاه بنشیند و شاید نقش مهم‌تری از آن دو داشته باشد» (همان: ۱۸۵).

اندیشه مهدویت یکی از ارزش‌های جامعه ماست. بنابراین، رسانه می‌تواند با تبیین این اندیشه و ترسیم اهداف آن در اسلام، ارزش‌های جدیدی از مهدویت را در جامعه ایجاد کند و مردم را به سوی آن ارزش‌ها سوق دهد و در نتیجه، بر جامعه‌پذیری این اندیشه کمک کند.

### نتیجه‌گیری

در تبیین مسأله اصلی تحقیق که عبارت است از: چگونگی راه‌های انتقال مهدویت از نسلی به نسل دیگر و عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری این اندیشه، نتایج ذیل به دست آمد:

۱. انتقال مهدویت از نسلی به نسل دیگر از دو راه می‌تواند انجام گیرد:

الف) یادگیری و انتقال مستقیم، آشکار و رسمی: در این روش، افراد در یک فرایند رسمی و به‌طور مستقیم، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی و مهدوی را فرا می‌گیرند و اطلاعات، ارزش‌ها و احساسات ناظر بر اندیشه مهدویت به‌صراحت به دیگران انتقال داده می‌شوند. این شکل از یادگیری، ممکن است از طریق آموزش معارف مهدوی در متون درسی مقاطع تحصیلی مدارس، دانشگاه و حوزه‌های علمیه صورت گیرد. بر اساس چنین آموزش‌ها فرایندی، ارزش‌های مهدوی در جامعه شکل می‌گیرند و بر طبق آن الگوهای رفتاری به‌وجود می‌آیند که در ژرف‌ترین سطح آن هویت، باورهای مذهبی و مهدوی در جامعه نهادینه می‌شوند که نتیجه آن امیدواری، اتحاد، انسجام و امنیت اجتماعی است.

ب) یادگیری و انتقال غیرمستقیم و غیررسمی: در این روش، عوامل متفاوتی به شکل غیرمستقیم در جامعه‌پذیری مهدوی می‌توانند نقش داشته باشند. مانند: گروه همسالان و همکاران. علاوه بر آن، در این روش اطلاعات و ارزش‌های دینی به‌صورت عام بر اندیشه مهدویت تأثیر می‌گذارد و راه انتقال اندیشه مهدویت به دیگران را هموار می‌کند و در



شکل‌دهی اندیشه مهدویت تأثیر می‌گذارد. مثلاً توجه به بحث عدالت و ظلم ستیزی که در مجموعه معارف دینی بر آن تأکید شده، سبب می‌شود تا گرایش به مهدویت را در افراد هموار سازد؛ زیرا ظلم ستیزی از آموزه‌های مهم مهدویت به‌شمار می‌رود.

۲. عوامل مؤثر برای جامعه‌پذیر کردن اندیشه مهدویت عبارتند از:

الف) نهاد خانواده: خانواده می‌تواند با بسترسازی مناسب و با رعایت اصل آسان‌گیری در انتقال ارزش‌های مهدوی به کودکان و نوآموزان کمک کند و ارزش‌های مهدوی را به آنان انتقال دهد.

ب) نهاد تعلیم و تربیت: این نهاد، می‌تواند باتدوین کتب و برنامه‌های آموزشی و فضاسازی مناسب در مدرسه، دانشگاه و حوزه، در انتقال ارزش‌های مهدوی به دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب کمک نماید.

ج) گروه همسالان: از طریق گروه‌های هم‌سن، می‌توان انجمن‌های مهدوی را در محلات، مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه گسترش داد و در انتقال ارزش‌های مهدوی تلاش کرد.

د) نهادهای دینی و مذهبی: این نهادها، نقش مهمی در انتقال فرهنگ مهدویت به نسل جدید دارند. آنها می‌توانند با آموزش معارف مهدوی و با اجرای مراسم و آیین‌های مرتبط با امام زمان ۷ در انتقال ارزش‌های مهدویت به نوآموزان کمک کنند.

ه) نهاد رسانه: این نهاد می‌تواند با بهره‌گیری از کارشناسان مجرب و با ساختن برنامه‌های متناسب با گروه‌های سنی مختلف به‌خصوص کودک و نوجوان در انتقال ارزش‌های مهدوی ایفای نقش کند.

## کتابنامه

## \*قرآن کریم

۱. آلموند، گابریل آبراهام (۱۳۷۷)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر مؤسسه مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، مکاتیب الرسول، قم: نشر دارالحدیث.
۳. اخترشهر، علی (۱۳۸۶)، «رسانه‌های ارتباط جمعی و نقش آن در جامعه‌پذیری دینی»، مجله: معرفت، ش ۱۲۳.
۴. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج‌الفصاحه، تهران: نشر دنیای دانش.
۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹)، «عوامل اجتماعی تعلیم و تربیت» مجله: تعلیم و تربیت، ش ۶۳.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
۷. حیدری، محمدشریف (۱۳۹۲)، جامعه‌پذیری دینی در ایران، قم: نشر پژوهشکده باقرالعلوم ۷.
۸. زندوی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، سایت: سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. شارون، جوئل (۱۳۸۴)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۰. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، نشر امیرکبیر.
۱۱. شیخ صدوق (۱۳۵۹)، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. طالب‌پور، محمدجعفر (۱۳۸۸)، «هیئات‌های مذهبی نهادهای اجتماعی» سایت: باشگاه اندیشه.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۷)، الکافی، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. روشه، گی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی نالکوت پاسونز، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی تبیان.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، تهران: نشر سمت.

۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۷. مهرداد، هرمز (۱۳۷۶)، جامعه‌پذیری سیاسی، تهران: نشر پازنگ.
۱۸. نجفی، محمدعلی (۱۳۷۵)، «پیام وزیر آموزش و پرورش به مناسبت روز جهانی خانواده»، مجله: پیوند، ش ۲۰۰.
۱۹. یان، رابرتسون (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.